

بررسی فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی از منظر اساتید دانشگاه کردستان

* شادی محمدی
** کیوان بلندهمتان
*** خلیل غلامی

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی است. برای نیل به این هدف، از رویکرد کیفی مبتنی بر مطالعه نمودنگارانه استفاده شد. شرکت کنندگان در تحقیق، ۱۱ نفر از اساتید دانشگاه کردستان بودند که با استفاده از نمونه گیری هدفمند به روش گلوله بر夫ی تا اشباع نظری داده‌ها انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه پیمایشی با روش هدایت کلیات و برای تحلیل داده‌ها از روش نمودنگاری تکاملی و دنبال کردن مراحل جاروینی و باودن استفاده شد. یافته‌ها که در سه دسته پیش‌فرضها، اصول و روش‌ها طبقه‌بندی شده، نشان می‌دهد که به باور استادان، تربیت دینی در شرایط فعلی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و لازم است جایگاهش در دانشگاه‌ها احیا شود تا برای دانشجو برانگیزاندۀ باشد. از این رو، به اساتیدی نیاز است که تربیت دینی در آن‌ها نهادینه شده باشد و با گفتار و عمل خود، در رساندن دانشجو به کمال تلاش کنند. آنان بالهیت دادن به زیر ساخت‌های اخلاقی و دینی و با توجه به اصل آزادی فکر و عمل و در کنار آن با الگو محوری خود، باید چهره‌ای از دین و تربیت دینی را برای دانشجو به تصویر بکشند که دغدغه اوت. به همین جهت، استاد لازم است دانشجو و زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی او را شناخته، وی را به سوی کردار راستین دینی به دور از ریا و تظاهر کشانده و خود در این کار پیشگام باشد؛ ولی هرگاه هم که لازم شد، دوستانه و مشاوره گونه دانشجو را راهنمایی کند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، فلسفه شخصی، نمونه گیری گلوله بر夫ی، اشباع نظری، نمودنگاری (پدیدارنگاری)، نمودنگاری تکاملی (بالنده).

Email: shadi.mohammadi20@gmail.com
Email: k.bolandhematan@gmail.com
Email: khalil.gholami@gmail.com

* کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

** عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

*** عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱

مقدمه

همان‌گونه که باقری (۱۳۸۵، ص ۶۱-۶۲) یادآور شده است، آنچه را اصطلاحاً تربیت اسلامی گفته می‌شود می‌توان چنین تعریف کرد: شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربویت او و تن زدن از ربویت غیر. به دیگر سخن، آدمی باید دریابد چرا ربویت در شان خداوند است و چرا باید انحصاراً او را رب یگانه هستی دانست (شناخت)؛ آدمی در پرتو شناختی که به دست آورد، خدارا رب خویش برگزیند و دیگران را واگذارد (انتخاب)؛ و با تن زدن از ربویت غیر، راه تن دادن به ربویت خدا همسوار شود (عمل). برای رسیدن به این مقصود ضروری است تربیت دینی از مؤلفه‌های بنیادینی برخوردار باشد. نمونه را، عقلانیت در عرصه‌های مختلف اعتقادات؛ اخلاق و عبادات و احکام دینی؛ تقوای حضور در برابر تقوای پرهیز؛ ارزیابی همراه با گزینش و طرد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۲). انسان برای دست یابی به تعالی خود نیاز به دین دارد و برای نهادینه شدن دین در درون انسان، باید تربیت دینی صورت پذیرد و انجام چنین کاری به ویژه در دانشگاه‌ها دشوار، ولی بسیار ضروری است؛ زیرا تربیت دینی نیاز به زمان دارد و پروسه‌ای طولانی بوده و در یکی دو ترم اتفاق نمی‌افتد بلکه نهادینگی آن در دراز مدت روی می‌دهد. برای این کار باید جایگاه تربیت دینی در دانشگاه‌ها احیا شود و بیشتر موردنظر قرار گیرد. بدینجهت که اسانید به عنوان رکن اصلی دانشگاه ایفای نقش می‌کنند و مسئولیت‌های مهمی دارند که فقط به جنبه‌های علمی و فنی محدود نمی‌شود، بلکه به‌مانند اخلاق، تربیت دینی نیز باید همانند چتری باشدکه بر تمام فعالیت‌های آن‌ها سایه افکند. به عبارت دیگر، انسان و جامعه‌ای که با گرایش به یک آئین و مذهب خاص، مسیر زندگی خود را تعیین می‌کند نمی‌تواند در انتخاب اهداف غایی تربیتی، خود را بی‌نیاز از باید و نباید های دینی بینند. فرهنگ دینی حاکم بر انسان در همه شئونات زندگی او ریشه می‌دواند و خود را در رفتارهای فرد ظاهر می‌گرداند. درنتیجه، می‌توان گفت که دین به نگرش فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن اهداف تربیتی جهت می‌دهد (اعرافی، ۱۳۷۶، ص ۱۸). با چنین نگاهی از دیرباز تربیت دینی بخشی مهم از فرآیند تربیت را به خود اختصاص داده است.

البته باید یادآور شد که هنگام به کارگیری اصلاح تربیت دینی سه معنا به ذهن می‌آید:

۱. نظریه دینی تربیت؛ ۲. نظریه تربیت دینی؛ ۳. فلسفه تربیت دینی. در حوزه سوم که در این تحقیق بدان پرداخته شد، فرد با شیوه‌های عقلانی از تربیت دینی دفاع می‌کند یا آن را به نقد می‌کشد. چنین مباحثی را می‌توان حوزه فلسفه تربیت دینی نامید. بهیان دیگر، فلسفه تربیت دینی بحث عقلانی (چه ایجابی و چه سلبی) درباره تربیت دینی است. این حوزه خود شامل وجود گوناگونی است؛ نمونه را، فلسفه تربیت دینی به امکان تربیت دینی پاسخ می‌دهد و ضرورت آن را

روشن می‌گرداند. همچنین پیوند دهنده متافیزیک و فلسفه دین با تربیت دینی است (بلندهمتان، ۱۳۸۷، ص ۹-۲۶). یکی دیگر از قلمروهای پژوهشی فلسفه تربیت دینی، فلسفه شخصی تربیت دینی است. فلسفه شخصی، گزاره‌ها و دیدگاه‌های فلسفی فرد درباره یک چیز خاص است که سه بعد آتولوژی، اپیستمولوژی و متادولوژی را در بر می‌گیرد. به تبع آن فلسفه شخصی تربیت دینی نیز می‌تواند گزاره‌ها و دیدگاه‌های فلسفی فرد درباره تربیت دینی باشد که به شکل پنهان بر نقش اساتید تأثیر می‌گذارد و این سان می‌توان گفت از مهم‌ترین و اصلی‌ترین لایه‌های پنهانی که وجه پنهان تربیت دینی را شکل می‌دهد، درواقع فلسفه شخصی فرد نسبت به آن است. فلسفه شخصی اساتید درباره تربیت دینی از سویی، زیرمجموعه فلسفه تربیت دینی است و از سوی دیگر، زیرمجموعه فلسفه شخصی تدریس که فلسفه شخصی تدریس نیز بیانگر گزاره‌ها و دیدگاه‌های فلسفی اساتید در ارتباط با تدریس است. امروزه برای نوشتan بیانیه فلسفه تدریس در دانشگاه‌های معتبر جهان (برای نمونه دانشگاه ایلنی، اوهاوی، هاوایی، واشنگتن، تگزاس، میشیگان، مینه سوتا، پرینستون)^۱، از اساتید خواسته می‌شود که فلسفه شخصی تدریس خود را بنویسنده تا کار خود را با روشی هر چه بیشتری انجام دهد و بدین وسیله ارزیابی درستی از کار آسان صورت گیرد (کاپولا^۲، ۲۰۰۲، ص ۴۴۸؛ گراندمان^۳، ۲۰۰۶، ص ۱۳۳-۱۳۲۹).

بیانیه فلسفه شخصی در ارتباط با تدریس، روایتی است که شامل تصویر و درک ما از تدریس و به سخن دیگر توصیفی است از چگونگی تدریس ما؛ و درواقع توجیهی است برای اینکه چرا ما در نقش استاد عمل تدریس را انجام می‌دهیم، چه هدفی را دنبال کرده و چگونه آن اهداف را توصیف می‌کنیم (پیترز^۴، ۲۰۰۹، ص ۲). به دیگر سخن، بیانیه فلسفه شخصی استاد در ارتباط با امر آموزش، تصویر و درک وی از فرایند آموزش است؛ که درواقع گویای فعالیت و نقش او به عنوان یک استاد در کلاس درس است. این بیانیه، به بررسی رابطه بین رویکرد نظری استاد نسبت به اهداف شخصی و آموزشی و شیوه کلامی داری وی می‌پردازد و دست کم چهار سود مهم از آن به دست می‌آید: ۱. اندیشیدن به آموزش و یادگیری قبل از حضور در کلاس درس؛ ۲. تأمل و اندیشیدن در رابطه با معنا و تعریف دانشجویان از عمل استاد؛ ۳. تعریف نقش استاد در کلاس درس در زمینه انتظارات دانشجو؛ ۴. تعریف انتظارات استاد از دانشجویان (ماندرچ^۵، ۲۰۰۹، ص ۹).

بدین سان فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی، آشکارا یا نهان، خود را نشان داده و نوشتan بیانیه درباره فلسفه شخصی در زمینه تربیت دینی و یا بیان کردن آن توسط اساتید کمک

۱. چگونگی نوشتan بیانیه فلسفه شخصی در سایت دانشگاه‌های مذکور به صورت آنلاین نیز قابل دسترس است که در بخش منابع به آن اشاره شده است.

2. Coppola

3. Grundman

4. Peters

5. Mandernach

می‌کند آن‌ها نسبت به نقش خودآگاه‌ترشده و اهمیت وظیفه‌ای را که در قبال دانشجویان عهده‌دار شده‌اند بهتر درک کنند. با آنکه پژوهش‌های بسیاری در زمینه فلسفه تدریس انجام شده است، ولی کمتر پژوهشی به بررسی فلسفه شخصی تدریس پرداخته است. شاید بتوان این نوع نگاه به حرفه آموزگاری را به دیوبی^۱ برگرداند که با نوشتن «میراث‌نامه تربیتی من» (۱۸۹۷م) نخستین کوشش‌ها را در این راستا شکل داد. البته در دیگر حوزه‌ها کارهایی در زمینه فلسفه شخصی انجام شده است؛ برای نمونه در زمینه آنکولوژی (اسمیت^۲، ۱۹۸۷م، ص ۵۵۰-۵۵)، پزشکی (آلپرت^۳، ۲۰۰۶م، ص ۸۱۱)، بیولوژی (مک‌لوری^۴، ۱۹۸۱م، ص ۱۱۹-۱۲۱) و مدیریت (بوربیج^۵، ۱۹۸۵م، ص ۴۷۷-۴۸۷). ولی در زمینه فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی تاکنون هیچ تحقیقی در ایران و در خارج از کشور صورت نگرفته است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی فلسفه شخصی اساتید و به عبارتی، تجربه زیسته اساتید در زمینه تربیت دینی است تا بر این اساس به شناخت بهتر وضعیت موجود تربیت دینی و مسائلی که در این راستا می‌تواند وجود داشته باشد رسیده و در ترسیم وضعیتی آرمانی برای تربیت دینی تلاش بیشتری انجام داد؛ زیرا نظام تعلیم و تربیت و خصوصاً دانشگاه از جمله سازمان‌هایی است که نیازمند توجه به امر تربیت و آموزش است. نیاز به تربیت نیازی بنیادی و ریشه‌ای است و برای تربیت یک انسان جهت رسیدن به کمال، به سال‌ها تربیت و آموزش نیاز است؛ به همین دلیل، این پویش در دانشگاه نیز باید دنبال شود. تربیت دینی نیز از این امر مستثنა نبوده و زمان بر است. وانگهی، به مربی‌ای که هم تربیت و هم تربیت دینی به شکلی سالم در او نهاده شده باشد، نیاز است. بنابراین، اساتید یا مریان ما باید به اهمیت بیشتر نقش خویش در این راستا پی برد و سعی کنند دانشجویان را به کمال (قرب الهی) برسانند.

هدف، پرسش‌ها و روش پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی از منظر اساتید دانشگاه کردستان (دانشکده‌های ادبیات و علوم اجتماعی) است. برای رسیدن به این هدف پرسش‌های زیر بررسی گردیدند:

۱. اساتید چه پیش فرض‌هایی در زمینه ضرورت تربیت دینی دارند؟
۲. اساتید چه اصولی را در ارتباط با تربیت دینی به کار می‌گیرند؟

1. Dewey

2. my pedagogic creed

3. Smith

4. Alpert

5. Maclowry

6. Burbidge

۳. شیوه‌های به کار گرفته شده از سوی اساتید، در ارتباط با تربیت دینی شامل چه مواردی است؟

در این تحقیق برای واکاوی مسئله پیش رو از رویکرد کیفی و از میان راهبردهای مناسب با تحقیقات کیفی، راهبرد نمود نگاری^۱ استفاده گردید. چراکه تحقیق حاضر در پی آن است که به درکی عمیق از مفاهیم متفاوت یک پدیده در نزد افراد مختلف دست پیدا کند؛ و این‌که افراد چگونه به تجربه‌های خود (تجربه زیسته) معنا بخشیده و آن‌ها را هم به طور فردی و هم به شکل جمعی (معنای مشترک آن تجربه‌ها) به آگاهی تبدیل می‌کنند (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۱۷۶). نمود نگاری نوعی استراتژی پژوهش است که کار خود را بر تجارب متفاوت افراد از یک پدیده قرار داده و سعی در ارائه توصیفی عمیق از یک پدیده معین نزد گروه خاصی از افراد دارد. نمود نگاری به کار گرفته شده در این پژوهش نمود نگاری بالنده^۲ بود نه توصیفی. پژوهش نمود نگاری تکاملی به دنبال توصیف ویژگی‌های عمدۀ مربوط به یک پدیده از دیدگاه یک گروه خاص از افراد است و تلاشی مستقیم یا غیرمستقیم برای بهبود معنا است. در توصیف رابطه بین مفاهیم و مقوله‌های افراد در رویکرد نمود نگاری تکاملی، اصطلاح مفهوم برای اشاره به روش‌های تجربه افراد از یک جنبه خاص از واقعیت و مفاهیم استفاده می‌شود. به عبارتی، مقوله‌ها یا طبقات توصیفی هم برای نامیدن چندگونه معنای شناسایی شده (مفهوم) در تجربه افراد است (باودن، ۲۰۰۰م، ص ۱۵).

شرکت‌کنندگان^۳ در این پژوهش، اساتید دانشگاه کردستان بودند. برای سنجش نظر آنان از روش نمونه‌گیری هدفمند یا نظری از نوع ملاکی به روش گلوله برقی استفاده گردید. تعداد شرکت‌کنندگان که بسته به اشباع یا کفایت نظری مورد مطالعه قرار گرفتند، ۱۱ نفر بودند که برخی از مشخصات آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در تحقیق

محاجه‌شوندگان	دانشکده	رشته	سن	مدرک	سابقه تدریس (به سال)
محاجه‌شوندۀ شماره (۱)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	برنامه‌بریزی درسی	۴۰ سال	دکتری	۱۵
محاجه‌شوندۀ شماره (۲)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	برنامه‌بریزی آموزشی	۴۸ سال	دکتری	۲۴
محاجه‌شوندۀ شماره (۳)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	برنامه‌بریزی درسی	۳۳ سال	دکتری	۴
محاجه‌شوندۀ شماره (۴)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	حسابداری	۴۲ سال	دکتری	۱۶
محاجه‌شوندۀ شماره (۵)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	حقوق بین‌المللی	۳۲ سال	دکتری	۸
محاجه‌شوندۀ شماره (۶)	ادبیات و زبان‌های خارجی	ادبیات عرب	۵۱ سال	دکتری	۲۰
محاجه‌شوندۀ شماره (۷)	ادبیات و زبان‌های خارجی	ادبیات عرب	۴۱ سال	دکتری	۱۰
محاجه‌شوندۀ شماره (۸)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	ادبیات فارسی	۴۹ سال	دکتری	۱۰
محاجه‌شوندۀ شماره (۹)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	مدیریت بازرگانی	۴۵ سال	دکتری	۱۹
محاجه‌شوندۀ شماره (۱۰)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	فقه شافعی	۴۰ سال	دکتری	۱۸
محاجه‌شوندۀ شماره (۱۱)	ادبیات و زبان‌های خارجی	ادبیات عرب	۳۹ سال	دکتری	۸

1. Phenomenography

2. Phenomenographic

3. Participant

در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری داده‌های کیفی از ابزار مصاحبه از نوع نیمه ساختارمند استفاده گردید؛ به‌گونه‌ای که مصاحبه‌شونده با یک سؤال کلی و باز در ارتباط با موضوع پژوهش مواجه می‌شد و شروع به گفتن دیدگاه خود در ارتباط با موضوع حاضر می‌نمود. دلیل استفاده از این نوع مصاحبه آن بود که محقق بتواند بدون محدود کردن دیدگاه‌های مشارکت‌کننده‌ها، جهان‌بینی‌ها و تجربات آن‌ها را بررسی کند. همچنین متن مصاحبه‌ها با کسب اجازه از اساتید ضبط می‌شد یا اگر اجازه نمی‌دادند شروع به نوشتن مصاحبه به شکل دستی کرده و زیر نکات کلیدی خط کشیده می‌شد؛ و در لابه‌لای گفته‌های این دسته از مصاحبه‌شوندگان سؤالاتی جزئی تری ارائه شد. مصاحبه‌های ضبط شده نیز بلا فاصله آوانویسی (تبديل صدای ضبط شده به متن) می‌شد تا در گذر زمان نکته‌ای از آن به دست فراموشی سپرده نشود. این کار تا جایی ادامه پیدا کرد که به اشباع نظری دست یافتم و به عبارتی دیگر، زمانی که نظرات جدیدتری از اساتید ارائه نشد، فرآیند نمونه‌گیری متوقف شد. بعد از پیاده کردن مصاحبه بلا فاصله بعد از هر مصاحبه و خواندن دوباره و چندباره متن، مصاحبه‌ها کدگذاری باز انجام شد. مرحله بعد به درآوردن کدگذاری محوری (مفهوم) پرداخته شد که خود این طبقات نیز در عنوان فضای نتیجه یک کاسه گردیدند. از دیگر سو، برای بالا بردن قابلیت اعتماد یافته‌ها، متن مصاحبه در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفته و آنان آن را بازخوانی، تأیید یا اصلاح می‌کردند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های حاصل از مصاحبه نشان داد که تربیت دینی در شرایط فعلی از جایگاه مطلوبی برخوردار نبوده و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور به طبقات توصیفی‌ای در ارتباط با تربیت دینی از جمله وضعیت کنونی، وضعیت آرمانی و مبانی تربیت دینی در این راستا دست یافتم، که خود این طبقات نیز پیش‌فرض‌ها، اصول و شیوه‌های به کار گرفته شده توسط اساتید در ارتباط با تربیت دینی را شامل می‌شود.

۱. پیش‌فرض‌های اساتید در خصوص تربیت دینی

این پیش‌فرض‌ها را می‌توان در سه دسته پیش‌فرض‌ها پیرامون وضعیت کنونی و مطلوب و مبانی تربیت دینی جای داد.

۱-۱. پیشفرضهای اساتید در ارتباط با وضعیت کنونی

۱-۱-۱. ضعیف بودن جایگاه فعلی تربیت دینی در دانشگاه (توجه بیشتر به تحصیلات و یادگیری، نه رشد فردی) را در مصاحبه با بسیاری از مشارکت‌کنندگان می‌توان دریافت. در ارتباط با ضعیف بودن جایگاه فعلی تربیت دینی یکی از مشارکت‌کنندها چنین اظهار می‌دارد:

به نظر من با توجه به این که تربیت دینی را چه چیزی تعریف کنیم، جایگاه فعلی آن را ضعیف می‌بینم که این امر از یک طرف برمی‌گردد به متولیان امر تربیت دینی که در داخل دانشگاه هستن و این که چه کاری انجام می‌دهند و از طرف دیگر برمی‌گردد به رفتار خود ما به عنوان کسانی که در این زیر مجموعه داریم کار می‌کنیم و متولی امر دین نیستیم (مصالحه‌شونده شماره ۳).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصالحه‌شونده‌ها بود. به اعتقاد آن‌ها جایگاه فعلی تربیت دینی در دانشگاه، هم به لحاظ گفتاری و هم به لحاظ عملکرد افراد در این زمینه، ضعیف ارزیابی می‌شود.

۱-۱-۲. بی‌انگیزگی و رودی‌های جدید نسبت به دین و تربیت دینی: از دیگر مواردی که در ارتباط با تربیت دینی در وضعیت کنونی نامطلوب ارزیابی شد بی‌انگیزگی و رودی‌های جدید نسبت به دین و تربیت دینی بود که مورد تأیید مصالحه‌شونده‌های (شماره ۳-۷-۸) نیز قرار گرفت. یکی از مشارکت‌کنندها بر این اعتقاد بود:

با توجه به تجربه بیستوچهارساله‌ام، معتقدم که نتیجهٔ موفقیت آمیز زمانی حاصل می‌شود که انگیزه لازم توسط تمایل و کشش طرف مقابلم که دانشجوها هستن، حاصل شود و دانشجو آمادگی لازم برای قبول کردن حرف‌های من رو داشته باشه. درواقع دانشجوها در سن حساس و شرایط خاصی از نظر روحی و روانی هستند و طبیعتاً نوع نگاهشان به جامعه، به ایده‌آل‌ها، با دیدگاه‌های ما متفاوت است. اگر در این زمینه انگیزه‌ای در طرف مقابلم وجود داشته باشه شاید این باعث بشنه که بهتر زبان همدیگر و بفهمیم (مصالحه‌شونده شماره ۲).

در همین راستا علامه طباطبائی بیان می‌دارد، تعلیم و تربیت در صورتی به بار می‌نشینند که دانش‌آموزان آمادگی پذیرش مطالب را داشته باشند. این آمادگی وقتی به وجود می‌آید که دانش‌آموزان به نوعی، به مطالب آموزشی احساس نیاز کنند و به آن‌ها علاقه‌مند باشند. در آیات قرآن این نکته گوشزد شده است که مشیت پروردگار به رشد و ترکیه افرادی تعلق می‌گیرد که آمادگی داشته باشند. به اعتقاد وی القای یک نظریه علمی در هنگام احتیاج و رسیدن هنگام عمل، در دل شاگردی که می‌خواهد آن را بیاموزد، بهتر ثبت می‌گردد و در قلب می‌نشینند و زود فراموش نمی‌شود (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۲-۵۰).

۱-۱-۳. بی توجهی به زیرساخت‌های اخلاقی و دینی: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت نامطلوب تربیت دینی در شرایط کنونی، دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۴ قابل تأمل است:

به نظر من متأسفانه امروزه این بی توجهی به یک خلاً تبدیل شده، یعنی هرچقدر که اخلاق و دین در زندگی فردی و اجتماعی کمتر شود تبعاتش هم طبیعی است که مثلاً طلاق و بزهکاری باشد. چرا این‌ها اتفاق می‌افتد؟ چون ما به زیرساخت‌ها توجه نمی‌کنیم که یکی از این زیرساخت‌ها درواقع پررنگ کردن مسائل اخلاقی و دینی است.

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه‌شونده‌ها بود. به اعتقاد آن‌ها متأسفانه امروزه به زیرساخت‌های تربیت دینی و اخلاقی کمتر توجه می‌شود.

۱-۱-۴. استفاده ابزارگونه از دین: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت نامطلوب تربیت دینی در شرایط کنونی، دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۷ قابل تأمل است:

به نظر من الان در جامعه ما یک سری مشکلات درزمینه تربیت دینی وجود دارد و حتی طوری شده این مشکل که افراد از بحث‌های دینی منزجر شده‌اند. درواقع عملکرد افراد در جامعه به‌گونه‌ای است که از دین به عنوان یک ابزار استفاده کرده‌اند و همین باعث شده خیلی‌ها دین‌گریز شوند.

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه‌شونده‌ها بود. به اعتقاد آن‌ها متأسفانه امروزه دین به یک ابزار تبدیل شده که در جهت منافع افراد بالادست به خدمت گرفته می‌شود.

۱-۲. پیش‌فرض‌های اساتید در ارتباط با وضعیت آرمانی و مطلوب

۱-۲-۱. تقدم پژوهش شخصیت دانشجو بر آموزش: پژوهش دادن شخصیت دانشجو امر بسیار مهمی بوده و تلاش برای شخصیت‌سازی دانشجو درواقع یک نوع اهمیت دادن و به عبارتی یک نوع شخصیت دادن به دانشجو است که می‌توان آن را در مصاحبه با تمامی مشارکت‌کنندگان دریافت. یکی از مشارکت‌کننده‌ها چنین می‌گوید:

در متون دینی ما به این امر اشاره شده که پژوهش مقدم بر آموزش است و حتی تأکید شده که درست‌تر این است که بگوییم پژوهش و آموزش نه آموزش و پژوهش. به نظر من آموزش و پژوهش باهم هستند اما پژوهش یک کم جلوتر است و دلیلش این است که آموزشی که مبتنی بر پژوهش نباشد منتهی به فساد می‌شود که این به ضد شریت نیز هست و بالا از هم همسو نیست. من خودم همیشه در کلاس‌هایم سعی کردم از آموزش مایه کمتری بگذارم. به نظر من خود آمدن به دانشگاه یک هدف پژوهشی است (مصالحه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها (شماره ۱ تا ۱۰) بود. به

اعتقاد آن‌ها پرورش شخصیت دانشجو از اهمیت به سزاگی برخوردار است و باید قبل از امر آموژش مورد توجه قرار گیرد.

۱-۲-۲. به تصویر کشیدن اسلامی که برای دانشجو دغدغه است: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت آرمانی و مطلوب تربیت دینی، دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۵ قابل تأمل است:

به اعتقاد من باید از دردی که دانشجو دارد سخن گفت، از اسلامی که برای او دغدغه است سخن گفت. دانشجوی ما می‌خواهد حرف بزند، چرا ما نباید بزاریم حرف بزند و بهش بگیم تو باید ساكت باشی؟ ارباب رعیتی که نیست!

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۱۱-۷) بود. به اعتقاد آن‌ها باید از دید دانشجو به این دریچه نگاه کرد و سعی کرد بینش و معرفت وی را در این زمینه بالا برد که خود این امر به مری ای نیاز دارد که از بینش و معرفت بالایی برخوردار باشد.

از شاخص‌هایی که در امر تربیت دینی باید از سوی مریان مورد توجه قرار گیرد، ارتقای سطح معرفتی و بینشی خود و سپس اقدام به امر تربیت دینی متربیان، با توجه به این شاخص است؛ چراکه اگر به دنبال آن هستند که باور و اعتقادی در متربیان ایجاد کنند که عمیقاً در وجود آنان رسوخ نماید، لازمه آن معرفت بخشی متربیان است تا با تکیه بر معرفت ایجاد شده، جنبشی در عزم آنان جهت انتخاب‌گری و التزام عملی فراهم آید؛ بنابراین، برای تحقق امر تربیت دینی، این شاخص از دو سو ضرورت می‌باشد؛ از یکسو از آن جهت که اقدام به امر تربیت دینی، بدون دست‌یابی مری به معرفت و بصیرت در زمینه اهداف، مبانی، اصول، شاخص‌ها، محتوی، روش‌ها و مراحل تربیت دینی امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، لازمه التزام عملی متربیان به محتوای تربیت دینی، دستیابی آنان به معرفت و بصیرت لازم در زمینه اعتقدات، احکام و اخلاق و ارزش‌ها است که این امر نیازمند بهره‌گیری از بینش‌های مناسب ارائه شده از سوی مری است (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۹۲).

۱-۲-۳. احیای دوباره جایگاه تربیت دینی: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت آرمانی و مطلوب تربیت دینی، دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۴ قابل تأمل است:

به نظر من توجه به تربیت دینی و مسائل اخلاقی و دینی باعث تقویت بنیان خانواده و حتی محیط دانشگاه‌ها و محیط کار می‌شود؛ بنابراین، جایگاه فعلی آن باید دوباره احیا شود و تدابیری را به کار گرفت تا بیش از بیش به آن توجه شود.

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه‌شونده‌ها بود. به اعتقاد آن‌ها امر وظیه جایگاه تربیت دینی هم در زندگی شخصی افراد و هم در جامعه، در حال کمتر شدن است و برای رفع این مشکل باید تربیت دینی دوباره احیا گردد.

۱-۲-۴. تلاش برای به روز کردن تربیت دینی در هدف و برنامه: در ارتباط با به روز کردن

تربیت دینی، دیدگاه برخی از مشارکت‌کنندگان مبنی بر این که باید یک بازنگری اساسی در روش‌ها و ابزارهایی که در ارتباط با تربیت دینی است انجام داد، قابل تأمل است. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌دارد:

من فکرمی کنم بدیهی ترین نتیجه‌ای که می‌توانیم بگیریم این است که روش‌های آموزش دینی ما و همچنین الگوهای تربیت دینی ما خوب نبوده و گرنه ما بعد از سی و خورده‌ای سال لازم نبود در نظام دانشگاهی برآمده از انقلاب فرهنگی، استاد ما بگوید که بایستی نگهبان جلوی در بذاریم تا خانمهای بدحجاب را راه ندهد! (اصحابه‌شونده شماره ۳). گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر اصحابه‌شونده‌ها بود.

۱-۳. پیش‌فرضهای اساتید در ارتباط با مبانی تربیت دینی

۱-۳-۱. تدریجی بودن فرایند تربیت دینی: از جمله مبانی تربیت دینی، تدریجی بودن فرایند تربیت دینی بود که مورد تأیید مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان بر این بود: به نظر من باید به تدریج و نه بازور و تحکم به تربیت دینی پرداخت، چون شیوه‌های تحکم تربیتی جواب نمی‌دهد. همان‌طوری که قرآن نیز می‌فرماید: در دین اکراه و اجرای نیست، درواقع برای اینکه زمینه جذب و کشش ایجاد شود، احتیاج به تعامل، گفتمان، صبر و بردباری است، درواقع آشنا گری که در او روش‌نگری وجود دارد و نسبت به سرنوشت فرد حساس باشد (اصحابه‌شونده شماره ۸).

این گفته را برخی دیگر از اصحابه‌شونده‌ها نیز تأیید کردند (شماره ۲-۵-۴-۷). توجه به شاخص صبر و بردباری در فرایند تربیت دینی هم از سوی مربی و هم از سوی متربی ضرورت می‌باید (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۱۲۲). درواقع، نکته مهمی که در تربیت دینی وجود دارد این است که مربی نمی‌تواند و نباید نسبت به سرنوشت شاگردش (و غفلت او از سرنوشت خویش) غافل بماند. ناگفته پیداست که مربی دینی کار سختی را بر عهده دارد و ممکن است شاگردش متوجه اهمیت تذکره‌ای او نگردد؛ اما مربی باید شکیبا و باگذشت باشد و تحمل از کف نتهد. بلکه درنهایت دلسوزی و خوش‌خلاقی، دغدغه رستگاری و رهایی شاگردش را داشته باشد و بکوشد اورا نسبت به سرنوشتی حساس گرداند (بلندهمtan، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

۱-۳-۲. تفکیک ناپذیری علم و دین: از مبانی دیگر تربیت دینی، تفکیک ناپذیر بودن علم و دین است. به سخن دیگر، علم آن است که انسان را به سوی مبدأ حقیقی راهنمایی نماید و دین راه خلوص و پاکی را به انسان یاد می‌دهد تا از دانش بهتر استفاده کند. اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان بر این بود:

به نظر من همان طور که به علم توجه می‌شود، باید به امر دین هم اهمیت داده شود و به اعتقاد من این دواز هم قابل تفکیک نیستند و باید مثل دو بال به آن‌ها نگاه کنیم که دانشجو با کمک این دو بال، آن انتظاری که ازش می‌رود را انجام دهد و بدون هر یک از این بال‌ها، بدون شک شخصیت دانشجو شخصیتی ناقص می‌شود (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

این گفته را برخی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها نیز تأیید کردند (شماره ۵-۷-۸-۱۱). تا جایی که در منطق اسلام نیز همه علوم ارزشمند شمرده شده و بر ارزش آن‌ها تأکید بسیار شده و شاخه‌های گوناگون معرفت، برای کمال و رشد بشر، ضروری شناخته شده است (کاردان و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۲۹). از این‌رو، طبقه‌بندی اهداف تربیتی که ناظر بر کل زندگی است و سرچشمۀ آن گزاره‌های دینی است، نه تنها با طبقه‌بندی اهداف تربیتی در علوم (تربیتی) تعارضی ندارد، بلکه ارتباط قوی این دو باهم، ضامن نیل به اهداف تربیتی است (اعرافی، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

۱-۳-۳. فطري بودن توحيد: از مبانی دیگر تربیت دینی، فطري بودن توحيد است. يكى از مشارکت‌کنندگان می‌گويد:

به اعتقاد من دین یک قضيه فطري است و در وجود انسان فطرتاً ايمان هست؛ بنابراین، ما وظيفه‌داریم که مطرح بكنیم و اگر طرف مقابلمان که دانشجوست نخواست، این اختیاریه؛ اما من استاد باید حداقل به عنوان يك معلم پيشينه را داشته باشم (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

این گفته را تعداد دیگری از مصاحبه‌شونده‌ها نیز تأیید کردند (شماره ۵-۷-۱۱). همان‌گونه که در سرشت انسان‌گرایشی عالی تر به مبدأ هستی و پرسشن خداوند نهفته است و این گرایش در انسان، وی را به زندگی برتر و وابستگی به عبادت و پیروی مذاهب، جذب می‌کند؛ بنابراین، خدا گرایی و تعلق قلبی به ماورای طبیعت و به‌ویژه دین، فطري و ذاتي انسان است (کاردان و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۳۹-۴۷۴). به عبارت دیگر، آدمی فطرتاً گرایشی به سوی خدا دارد، بدان معنا که فطرت آدمی خداجو و در جست‌وجوی خدا است (بلندهمтан، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

جدول ۲: پیش‌فرض‌ها

افق بیرونی	افق ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (بخش‌های کانون توجه)	افق درونی، عنصر (بخش‌های کانون توجه)	افق بیرونی
دانشگاه	لزوم بازارندیشی در تربیت دینی	وضعیت کنونی نامطلوب	الف) ضعیف بودن جایگاه فلیی تربیت دینی در دانشگاه (توجه به تحصیلات و یادگیری و نه رشد فردی) ب) بی‌انگیزگی وروودی‌های جدید نسبت به دین و تربیت دینی پ) بی‌توجهی به زیرساخت‌های اخلاقی و دینی ت) استفاده ابزار‌گونه از دین	دانشگاه
دانشگاه	وضعیت آرمانی و مطلوب	الف) تقدم پژوهش شخصیت دانشجو برآموزش ب) به تصویر کشیدن اسلامی که برای دانشجو دغدغه است پ) احیای دوباره جایگاه تربیت دینی ت) تلاش برای به روز کردن تربیت دینی در هدف و برنامه		
	مبانی تربیت دینی	الف) تدریجی بودن فرایند تربیت دینی ب) تکیک‌نایابی علم و دین پ) فطری بودن توحید		

۲. اصول به کار گرفته شده توسط اساتید در ارتباط با تربیت دینی

۱-۲. آزادی عمل و فکر: آزادی عمل و فکر امر مهمی بوده تا جایی که سعی در فراهم آوردن فضایی در کلاس درس که دانشجو در آن احساس آرامش داشته باشد، ضروری است. در تأیید این نکته یکی از مشارکت‌کنندگان بر این باور بود:

من اول از هر چیزی آزادی بیان دانشجو برآم مهمن است، بعد از آن آدم درستی بودن، چون خداوند هم می‌فرماید: قرآن هدایت است برای آدم درستکار. لذا ما باید بستر را مناسب قرار دهیم؛ یعنی آدم درستکاری که خوب و بد برایش مطرح باشد و یک مانع برای خودش بزاره؛ بنابراین، وقتی این را داشت یعنی آزادی بیان، آزادی بیان، آزادی فکر را می‌آورد و بعد از این مرحله خودش برای خودش یک قیدی بزاره، نه این که ما بهش قید بدیم. به اعتقاد من لازم نیست ما به خدا نزدیک شویم، خودش به خدا نزدیک می‌شود ما باید محیط را فراهم کنیم (اصحابه‌شونده شماره ۹).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۳-۶-۷-۱۰) بود. درواقع یکی از ویژگی‌های بشر و از وجوه شخصیت وی «اختیار و آزادی» و قدرت انتخاب‌گری است و اهمیت این ویژگی در بافت وجودی انسان بدان پایه است که برخی، فصل مقوم انسان و اساس شخصیت وی را در آزادی وی می‌دانند؛ نظری مکتب اکریستانسیالیسم که پیروان آن برترین ویژگی انسان را آزادی وی می‌دانند؛ بنابراین، اختیار و آزادی است که به تعلیم و تربیت و علوم و مکاتب تربیتی، معنی و مفهوم می‌بخشد و در این فضای است که تعلیم و تربیت، به مفهوم خاص انسانی آن جای می‌گیرد (کاردان و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۸۱).

۲-۱. اخلاق مداری: یکی از مشارکت‌کنندگان در ارتباط با اخلاق مداری و اهمیت فضایل اخلاقی چنین اظهار داشت:

به نظر من آموزش به تنهایی کافی نیست؛ بنابراین، فردی که میاد دانشگاه به اندازه کافی آموزش دیده از خانواده، مدرسه، محیط و رسانه‌ها؛ بنابراین، کاریک استاد این است که بالا اخلاق آموزش دهد، البته منظورم این نیست که اساتید اخلاق را تدریس کنند، اما وقتی سعی کنند در رفتار و عمل رعایت کنن خود این‌ها یعنی اخلاق؛ بنابراین، اساتید می‌توانند با عمل و رفتارشان این اخلاق را رعایت کنند و در عمل تربیت دینی را به دانشجو منتقل کنن، لزومی نیست حتماً آن را به شکل مستقیم سر کلاس تدریس کنند (اصحابه‌شونده شماره ۴).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۳-۶-۵-۴-۱۱) بود. از نظر دانشمندان مسلمان نیز، علم اخلاق، علم صفت‌های فضیلت و رذیلت و چگونگی آراسته شدن به فضیلت‌ها و پاک شدن از رذیلت‌هاست. خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف این علم گفته است: «علم است بدان که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به ارادت او ازو صادر شود، جميل و محمود بود». درواقع از نظر وی اخلاق علم صفت‌های خوب و بد است (حسینی زاده و داوودی، ۱۳۹۱، ص. ۸).

۲-۲. قرآن محوری: اهمیت بهره‌گیری از قرآن در امر تربیت دینی و محور قرار دادن قرآن در این امر را می‌توان در مصاحبه با تمامی مشارکت‌کنندگان دریافت. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌دارد:

من بیشتر سعی می‌کنم در این راستا در درجه اول از قرآن بهره بگیرم، چون دستورالعمل و روشی که ما در زمینه تربیت دینی به کار می‌بریم زمانی موردنسب واقع می‌شود که کاملاً با قرآن مطابقت داشته باشد (اصحابه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها بود. از آنجاکه تربیت دینی در صدد تحول جان آدمی است، آنچه این تحول را می‌آفریند همانا وحی الهی و کلام اوست. از این منظر و با توجه به چنین اهمیتی، هر کاوشی در تربیت دینی، نخست و پیش از هر چیز باید از خود قرآن‌کریم آغاز شود و هرگونه بی‌توجهی به آن در بحث از تربیت دینی اشتباهی نابخشودنی می‌نماید (بلنده‌متان، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۹).

۲-۳. الگو محور بودن: بسیاری از مشارکت‌کنندگان به اهمیت الگو محوری اشاره کردند. تا جایی که همه آن‌ها بر این نکته اتفاق نظر داشتند که از جمله وظایف اساتید این است که حداقل سعی کنند خود را الگو پندراند و رفتار و اخلاق خود را بیشتر مراقبت کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌دارد:

به اعتقاد من یک استاد اگر بخواهد در ضمن امر تعلیم و آموزش، کار تربیتی را هم انجام دهد باید سعی کند حداقل برای مخاطبیش یک الگو باشد. زمانی که ما میگیم الگو، الگو بودن در جنبه‌های مختلف را شامل می‌شود، مثلاً فقط در سخن گفتن و در نشستن نیست، بلکه در تمام موارد باید الگو باشد (مصالحبه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید بسیاری از مصالحبه‌شونده‌ها (شماره ۱ تا ۸) بود. از این‌رو، الگو محور بودن از این جهت اهمیت دارد که اولاً، متربی رفتار اخلاقی را در عمل و با همه جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و به همین سبب، نه تنها با خود رفتار اخلاقی، بلکه با شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد و با جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد. ثانیاً، مشاهده عمل اخلاقی صادرشده از الگو، امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای متربی اثبات می‌کند و این از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارهای اخلاقی محال به نظر آید. ثالثاً، مشاهده رفتارهای اخلاقی الگو و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در متربی گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت شود (داودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲).

جدول ۳. اصول تربیت دینی

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (بخش‌های کانون توجه)
استاد	تریبیت دینی اصول محور	
		آزادی عمل و فکر
		اخلاقی مدار
		قرآن محور
		الگو محور

۳. شیوه‌های به کار گرفته شده توسط اساتید در ارتباط با تربیت دینی

۳-۱. **شناختن شاگرد و زمینه خانوادگی:** شناخت متربی و زمینه خانوادگی از جمله عوامل مهم در موقیت تربیت دینی است. در ارتباط با این مهم اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان بر این بود: بنده معتقدم اگر بخواه هر کاری انجام بدم باید در آن زمینه شناختم خوب باشه. خصوصاً اگر من استاد نسبت به دانشجوهاش شناخت درستی نداشته باشم نمی‌توانم در مسیر هدایت دانشجو به قرب الهی موفق باشم. پس زمانی که من شناخت درستی از دانشجو نداشته باشم، نمی‌توانم باهاش کارکنم و حرفش رو بفهمم (صالح‌بی‌شونده شماره ۱۰).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصالحبه‌شونده‌های شماره ۱۱-۳-۱ بود. به اعتقاد علامه طباطبائی شناخت فراگیران و آگاهی از میزان استعداد، قدرت درک، آمادگی و زمینه عملی آنان، معلم را در انتخاب روش مناسب در تدریس یاری می‌کند و موجب می‌شود با آنان بهاندازه توانایی و

استعدادشان رفتار نماید و از طرح مطالبی که دانشآموزان قادر به درک و فهم آن نیستند، اجتناب کند. وی معتقد است پیامبران الهی پیوسته خود را یکی از افراد مردم به حساب می‌آورند و با هر طبقه‌ای، به میزان استعداد و فهمشان رفتار می‌کرند؛ این حقیقت از گفت‌وگوهایی که به حکایت قرآن، با مردم داشته‌اند، به خوبی استفاده می‌شود (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۵۰).

و اما در ارتباط با اهمیت خانواده باید گفت که شاکله شخصیت فرد به لحاظ تربیت دینی توسط نهاد خانواده ساخته می‌شود. درواقع خانواده مهم‌ترین الگو و حساس‌ترین و اساسی‌ترین نهاد در درونی کردن تربیت دینی است. در تأیید این نکته یکی از مشارکت‌کنندگان بر این باور بود: به نظر من کسانی که در زمان و موقعیت مناسب با اندیشه‌های تربیت دینی در خانواده آشنا نشده‌اند، در ادامه زندگی نیز با آن برخورد نکرده‌اند. نقش خانواده در تربیت دینی بسیار برجسته است، حال چه به عنوان دانشجو و چه به عنوان استاد یا حتی یک فرد بازاری هیچ فرقی نمی‌کند و این تربیت با فرد است و چهارچوب‌ها را برای آن فرد تعریف می‌کند (اصحابه‌شونده شماره ۳).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید اصحابه‌شونده‌های (۲-۷-۸) بود.

۲-۳. تذکر دوستانه و مشاور گونه: تذکر دوستانه و بر پایه محبت از جمله مهم‌ترین روش‌هایی است که زمینه را برای تربیت دینی و تأثیرگذاری مردمی آماده و مساعد می‌کند. در تأیید این نکته، یکی از مشارکت‌کنندگان این گونه دیدگاه خود را تبیین می‌کند:

هرچند که من این اجازه را به خود نمی‌دهم که در خیلی از مسائل شخصی مربوط به دانشجو دخالت کنم اما نمی‌توانم کاملاً بی‌تفاوت باشم. من بارها شده که دانشجو را دیدم که رفتارش رفتاری بوده که شایسته بک دانشجو نبوده و من سعی کردم این را به آن دانشجو تذکر بدم اما به شکلی دوستانه و شاید آن مرحله آخر اگر لازم شده باشد به صورت جدی برخورد کرم. اگر موقعیتی این چنینی برای من پیش بیاید خود من سعی می‌کنم به صورت فردی با دانشجو صحبت کنم و زمانی که احساس کنم که می‌توانم مؤثر باشم سعی می‌کنم به صورت غیرمستقیم دانشجو را متوجه این امر می‌کنم (اصحابه‌شونده شماره ۱۰).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید اصحابه‌شونده‌های (شماره ۱۱-۸-۷) بود. در سیره پیامبر ﷺ و اهل‌بیت نیز محبت به دیگران جایگاه والایی یافته است. تا جایی که تحقیقات علمی نیز همین مطلب را تأیید می‌کند. تیلور می‌گوید: یافته‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که هر چه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی کرده و احتمال بیشتری دارد نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهنده. وی در ادامه، در تبیین این مسئله می‌گوید: از آنجاکه انسان‌ها سعی می‌کند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد،

نگرش خود را به احتمال زیاد بر حسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند تغییر می‌دهند (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵).

۳-۳. الگو بودن استاد: در فرآیند دو مقوله مهم یعنی تربیت و تربیت دینی، الگو بودن استاد ارتباط تنگاتنگی با عمل استاد داشته و تربیت و تربیت دینی باید از خود استاد شروع شود. در تأیید این نکته اظهارات یکی مشارکت‌کنندگان قابل تأمل است:

به اعتقاد من الگوی عملی خیلی مؤثرتر از سخن گفتن و حرف زدن است و به نظرم آنچه را یک دانشجو از عمل و رفتار یک استاد می‌گیرد خیلی بیشتر از آن چیزی است که از گفتار و حرف زدنش می‌گیرد؛ و این در قرآن هم هست و روی آن تأکید شده که گناهی بس بزرگ است اگر انسان چیزی بگوید و در مقام عمل، به آن عمل نکند (اصحابه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۷-۸-۹-۱۰) بود. ناید این مهم را فراموش کرد که تربیت دینی، مستلزم عمل‌گرایی است؛ از یکسو، مربی باید ضمن اقدام عملی جهت امر تربیت دینی متبادران، خود نیز پایبندی عملی به اعتقادات، احکام و ارزش‌های دینی داشته باشد؛ چراکه عدم پایبندی عملی مربی به آنچه می‌گوید زمینه بی‌توجهی متبادران به گفته‌های او را فراهم می‌آورد و گاه این ذهنیت را ایجاد خواهد کرد که رهنمودهای ارائه‌شده شعاعی بیش نیست و پشتونه عملی ندارند؛ چنانکه رسول خدا بیان می‌دارند: هرگاه عالم بداند و عمل نکند، به چراگی می‌آورند که روشنگر مردم است و خویشتن را می‌سوزانند (خود از این روشنایی سودی نمی‌برد و ضرر می‌کند) و از سوی دیگر، مربی باید به دنبال آن باشد که بعد از ارائه معرفت و بیان صحیح و مناسب، زمینه‌های الزام درونی و التزام عملی را در متبادران فراهم سازد (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۱۲۲).

۴-۳. نهی از ریا: مطابقت عمل و گفته‌ها در فرآیند تربیت دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در غیر این صورت چیزی جز ظاهر و ریا نخواهد بود. یکی مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: این که من بخوام یک الگو باشم برای دانشجو و بخوام روی رفتار و تفکر دانشجو تأثیر مثبت بگذارم هم می‌شود به شکل مستقیم دانشجو را به آن مسیر بکشانم که به نظرم هدف نهایی است و هم می‌شود او را راهنمایی کرد و دانشجو هم به این نتیجه برسد که من را به عنوان یک الگو بپذیرد خیلی فرق می‌کند بالینکه من بیام برای دانشجو نقش بازی کنم و یک حالت قدس مانند به خودم بگیرم. به نظرم خیلی از کسانی که ادعا می‌کنند تربیت آن‌ها درست است و از تربیت دینی درستی برخوردارند، درواقع این‌ها بیشتر فیلم تربیت دینی را بازی می‌کنند چون کسی که از تربیت دینی به معنای واقعی برخوردار است از این تظاهرات به دور است (اصحابه‌شونده شماره ۸).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۳-۷) بود. علامه طباطبائی

معتقد است «از شرایط تربیت صالح این است که معلم و مربی باید، صفات شایسته‌ای را که به دانش آموزان سفارش می‌کند، خود نیز داشته باشد و گرنه تربیت او اثری نخواهد داشت. به اعتقاد وی ترکیه در تدریس باید با مظاهری مانند اخلاص، صداقت، پایبندی به احکام اسلامی، تعلم و ادب در کلاس و فضای آموزشی متجلی شود» (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۵۰).

جدول ۴: روش‌های تربیت دینی

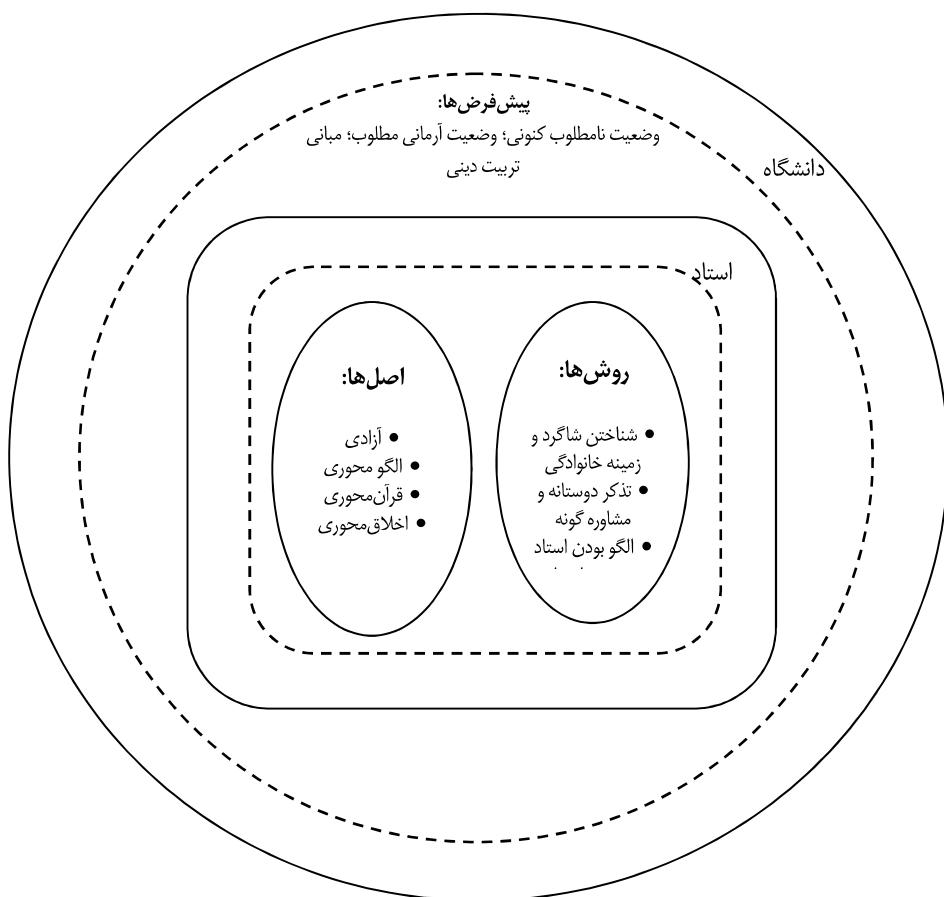
افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (بعش‌های کانون توجه)
شناختن شاگرد و زمینه خانوادگی		
تذکر دوستانه و مشاوره گونه		
الگو بودن استاد	روش نرم غیرمستقیم	
نهی از ربا		استاد

بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری کلی چنان‌که از تجربه زیسته اساتید برمی‌آید، جایگاه تربیت دینی در وضعیت فعلی ضعیف است و برای بروز رفت از این وضعیت، باید در کنار توجه به یادگیری و تحصیلات دانشجویان به رشد فردی آن‌ها در همه زمینه‌ها که تربیت دینی را نیز شامل می‌شود، توجه بیشتری نمود؛ زیرا علم و دین از هم تفکیک ناپذیرند و برای رسیدن به کمال ضروری اند، کمالی که ریشه در فطرت بشر داشته و همان فطرت آنان را به سوی توحید می‌کشاند. همچنین بالاهمیت دادن به زیر ساخت‌های اخلاقی و دینی و با توجه به اصل آزادی فکر و عمل و در کنار آن الگو محوری اساتید، سعی کرد چهره‌ای از دین و تربیت دینی را برای دانشجو به تصویر کشید که دغدغه اوست تا بدین وسیله انگیزه وی نسبت به مسائل دینی بیشتر شود. برای رسیدن به چنین وضعیتی، استاد لازم است دانشجو و زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی او را شناخته، وی را به سوی کردار راستین دینی به دور از ریا و نظاهر کشانده و خود در این کار پیشگام باشد؛ ولی هرگاه هم که لازم شد، دوستانه و مشاوره گونه دانشجو را راهنمایی کند. یکی از مهم‌ترین سازمان‌هایی که مسئولیت انتخاب و انتقال عناصری مثل فرهنگ به نسل ناخواسته جامعه را بر عهده دارد، سازمان‌های آموزشی آن جامعه است. در نتیجه، می‌توان گفت نقش و رسالت چنین سازمان‌هایی تا آن اندازه است که از آن انتظار می‌رود پاسخگوی نیازهای معنوی و مادی بوده و به عنوان عامل اصلی، تحقق نیازهای فردی و اجتماعی را ممکن سازد؛ بنابراین، چنین فرآیند مهمی نیازمند افرادی فرهیخته و از هر نظر رشد یافته است تا بتواند از یک طرف علاوه بر هر چه بهتر انجام دادن رسالتی که بر عهده دارند، از طرف دیگر به پرورش همه جانبه شخصیت شاگردان پردازند. این را به ویژه درباره دانشگاه هم باید

گفت. دانشگاه باید به تربیت دانشجویان در همه ابعاد و زمینه‌ها (ونه تنها در زمینه تحصیلی) پرداخته و رشد فردی آنان را در همه ابعاد وجودی‌شان هموار سازد. می‌توان گفت یکی از ارکان این نهاد مهم، اساتید هستن که وظیفه مهم تعلیم و تربیت دانشجویان را بر عهده‌دارند. لازم به ذکر است که مسئولیت و رسالت اساتید تنها به جنبه فنی و تخصصی آن‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه تربیت و تربیت دینی (خصوصاً در دانشگاه‌های کشور ما که از دین مبین اسلام برخورداریم) نیز باید مکمل آن بوده تا بتوانند در جهت غایت اهداف نظام آموزشی (قرب الهی) گام بردارند و در این راستا مثمر ثمر واقع شوند.

فضای نتیجه



یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که تربیت دینی در شرایط فعلی از جایگاه مطلوبی برخوردار نبوده و نیاز به توجهی بیشتر از پیش دارد. تا جایگاهش در دانشگاه‌ها احیا شود، به گونه‌ای که برای دانشجو برانگیزانده باشد. به همین منظور به اساتیدی نیاز دارد که در آن‌ها تربیت و تربیت دینی به شکل سالمی نهادینه شده باشد و با گفتار و عمل خود، آشکارا و نهان در رساندن دانشجو به کمال تلاش کنند. لذا فراهم ساختن فضا و بستر مناسب برای اجرای تربیت دینی در دانشگاه‌ها، برگزاری سمینارها و کارگاه‌هایی در ارتباط با تربیت دینی، بازنگری دوباره در روش‌های فعلی (موقعه) که برای تربیت دینی به کار گرفته شده، استفاده از روش‌ها و ابزارهای متناسب با تربیت دینی برای بحث و مباحثه بیشتر به شکل علمی و منطقی در دانشگاه‌ها، لازم و ضروری است. بر این اساس اساتید ما به عنوان رکن اصلی دانشگاه مسئولیت‌های مهمی دارند که فقط به جنبه‌های علمی و فنی محدود نمی‌شود، بلکه به مانند اخلاق، تربیت دینی نیز باید همانند چتری باشد که بر تمام فعالیت‌های آن‌ها سایه افکند. البته باید به این نکته توجه داشت که تربیت دینی کاری پیوسته است و در طول زمان اتفاق می‌افتد و همین نکته ضرورت توجه به تربیت دینی که در شرایط فعلی جایگاه آن ضعیف ارزیابی شده است را بیش از پیش آشکار می‌سازد. واپسین نکته مهمی که باید در نظر گرفت آن است که در مصاحبه با مشارکت‌کنندگان آنچه آشکار است آن است که دیدگاه مشارکت‌کنندگان در ارتباط با پیش‌فرض‌ها، اصول و روش‌های ارائه شده توسط آن‌ها در ارتباط با تربیت دینی نامنسجم بوده که متأسفانه منجر به نوعی نامنسجمی در پاسخ‌های آن‌ها نیز شد. برای جبران این کاستی باید دوره‌هایی منسجم برای آشنایی آکادمیک با نظریه‌های تربیت دینی برای استادان برگزار شود تا آنان با آگاهی بیشتر به کار تربیت دینی پردازند.

منابع

- اعرافی، علیرضا (۱۳۷۶)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، (کاوشی برای تدوین چهارچوب نظری تربیت اسلامی)، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ج ۱.
- _____ (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: مدرسه بلندهمتان، کیوان؛ نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۷)، «فرا-فلسفه تربیت دینی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۶، ص ۹-۲۶.
- بلندهمتان، کیوان (۱۳۸۹)، ایمان و تربیت، تأملی بر تربیت دینی بر مبنای مفهوم ایمان در قرآن، سندج: پرتوپیان.
- دانایی فرد، حسن؛ کاظمی، سید حسن (۱۳۹۰)، پژوهش‌های تفسیری در سازمان، استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدار نگاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
- داودی، محمد؛ حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۹)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، تهران: سمت.
- داودی، محمد (۱۳۹۱)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، جلد سوم، تربیت اخلاقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صالحی، اکبر؛ یار احمدی، مصطفی (۱۳۸۷)، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبائی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»، دو فصلنامه علمی-تخصصی تربیت اسلامی، شماره ۷، ص ۲۳-۵۰.
- کارдан، علی‌محمد و دیگران (۱۳۷۸)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سمت، جلد اول.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۳، ص ۹۳-۱۲۲.
- Alpert, J. S. (2006), My Personal Philosophy for Academic Medicine, *The American Journal of Medicine*, 119(10), p.811.
- Burbridge, J. L. (1985), Production planning and control: A Personal Philosophy, *Computers in Industry*, 6(6), December, pp. 477-487.

- Bowden, J. & Walsh, E. (2000), *Phenomenography: Qualitative Research Methods*, RMIT University Press.
- Coppola, B. (2002), Writing a statement of teaching philosophy, *Journal of College Science Teaching*, ProQuest, p. 448.
- Grundman, H, G. (2006), Writing a teaching philosophy statement, *American Mathematical Society*, 53(11), pp. 1329-1333.
- Dewey, J. (1897), My Pedagogic Creed, *School Journal* vol. 54, pp.77-80.
- Mandernach, B. J. (2009), Writing the “syllabus version” of your philosophy of teaching, USA, Magna publications.
- Maclowry, J. D. (1981), Systems approaches to clinical microbiology: A personal Philosophy, *Clinical Microbiology Newsletter*, 3(18), 15 September, pp. 119-121.
- Peters, M, A. (2009), A Teaching Philosophy or Philosophy of Teaching, *Educational philosophy and Theory*, 41(2), Pp. 16-19. Doi:10.1111/j1469-5812.2009.00526.x.
- Smith, G. (1987), The care of our children in everyday life, *Brain and Development*, 9(5), Pp.550-55.
- Writing Personal Philosophy of teaching; available at:
<http://www2.hawaii.edu/~sford/research/philosophy/>
<http://www.prinston.edu/wcgraw/library/for-grad-students/teaching-statement/>
<http://www.teaching-center.wust.edu/>
<http://www.chornicle.com/article/how-to-write-a-statement-of-teaching-philosophy/>
<http://www.celt.instate.edu/teaching>
http://www.Iumn.edu/ohr/teach_learn/tutorials/philosophy/